

The Predictive Role of Alexithymia in Marital Satisfaction and Forgiveness among Women with Antisocial Personality

Zahra Bahreini¹ , Babak Keshvari¹ , Ali Farnam^{2*} 

1. Ph.D Candidate of Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran.
2. Associate Professor, Department Of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

***Corresponding Author:** Ali Farnam, Department Of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Email: farnam@ped.usb.ac.ir

Received: 20 June 2018

Accepted: 14 July 2018

Published: 5 March 2019

How to cite this article:

Bahreini Z, Keshvari B, Farnam A. The Predictive Role of Alexithymia in Marital Satisfaction and Marital Forgiveness among Women with Antisocial Personality. *Salamat Ijtimai (Community Health)*. 2019; 6(2): 208-16. DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v6i2.21441>.

Abstract

Background and Objective: Persons with personality disorders have characteristics that cause tension and conflict in their marital relationships and life and reduce sustainability of their marriage. The objective of this study was to determine the predictive role alexithymia in marital satisfaction and marital forgiveness among women with antisocial personality.

Materials and Methods: The research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study included women with divorce cases referred to the counseling department of municipality districts 1 and 2 of Tehran from October to December 2017. Participants included 123 women who were selected by convenience sampling method. Data were collected using Marital Forgiveness Questionnaire, Toronto Alexithymia Scale, marital satisfaction, and multivariate clinical trials of Million-3. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and multiple regression tests using SPSS-22 software.

Results: The mean (SD) age of participants was 37.2 (4.13). The mean (SD) score of difficulty in identifying feelings was 14.3 (2.1), difficulty in describing emotions 12.6 (3.1), objective thinking 16.4 (5.9), alexithymia 44.3 (11.8), marital satisfaction 76.7 (14.1) and marital forgiveness 31.5 (7.6). Difficulty in identifying feelings ($P<0.001$), difficulty in describing emotions ($P<0.05$), objective thinking ($P<0.01$), and alexithymia ($P<0.001$) could negatively predict forgiveness and marital satisfaction. Higher scores of difficulty to describe feelings identify emotions and think objectively correlated with fewer score of forgiveness and marital satisfaction.

Conclusion: The study showed that the components of emotional weakness significantly predicted forgiveness and marital satisfaction. It seems that the difficulty in identifying feelings, describing emotions and having objective thinking significantly affected and reduced marital satisfaction of women with antisocial personality.

Keywords: Alexithymia; Marital Satisfaction; Forgiveness; Antisocial Personality.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

Ethical code: IR.IAUZAH.REC.1396.27893.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License

نقش پیش بینی کننده ناگویی هیجانی در رضایت و بخشش زناشویی در میان زنان دارای شخصیت ضد اجتماعی

زهرا بحرینی^۱، بابک کشوری^۱، علی فرنام^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران.
۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

* نویسنده مسئول: علی فرنام، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

Email: farnam@ped.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: خرداد ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: تیر ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: افراد دارای اختلال های شخصیت ویژگی هایی دارند که باعث تنش و تعارض در روابط و زندگی زناشویی آن ها شده و از طول زندگی شان می کاهد. هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش پیش بینی کننده ناگویی هیجانی در رضایت زناشویی و بخشش زناشویی زنان دارای شخصیت ضد اجتماعی بود.

روش و مواد: روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان دارای پرونده طلاق ارجاع داده شده به واحد مشاوره دادگستری مناطق ۱ و ۲ شهر تهران از مهر تا آذر سال ۱۳۹۶ بود. مشارکت کنندگان ۱۲۳ نفر از زنان بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. داده ها به کمک پرسشنامه های بخشش زناشویی، ناگویی هیجانی، رضایت زناشویی و آزمون بالینی چند محوری میلیون-۳ جمع آوری شد. داده ها با روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با کمک نرم افزار SPSS-22 تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان، (۴/۱۳) (۳۷/۲) سال بود. میانگین (انحراف معیار) دشواری در شناسایی احساسات (۲/۱) (۱۴/۳)، دشواری در توصیف احساسات (۳/۱) (۱۲/۶)، تفکر عینی (۵/۹) (۱۶/۴)، ناگویی هیجانی (۱۱/۸) (۴۴/۳)، رضایت زناشویی (۱۴/۱) (۷۶/۷) و بخشش زناشویی (۷/۶) (۳۱/۵) به دست آمد. دشواری در شناسایی احساسات ($P < 0/001$)، دشواری در توصیف احساسات ($P < 0/005$)، تفکر عینی ($P < 0/001$)، و ناگویی هیجانی ($P < 0/001$) توانستند به طور منفی بخشش و رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. به این معنا که هر چه دشواری در توصیف احساسات، شناسایی احساسات و تفکر عینی بیشتر باشد، بخشش و رضایت زناشویی کمتر می شود.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که مؤلفه های ناگویی هیجانی به طور معنی داری بخشش و رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند. به نظر می رسد که دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و داشتن تفکر عینی به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی زنان دارای شخصیت ضد اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و پایین می آورد.

واژگان کلیدی: ناگویی هیجانی، رضایت زناشویی، بخشش، شخصیت ضد اجتماعی.

شخصیت ضد اجتماعی با ویژگی هایی همچون بی ثباتی در روابط، عدم همدردی و بی مسئولیتی دارای بیشترین رابطه با تعارض های زناشویی و طلاق هستند (۱). شخصیت ضد اجتماعی دارای چهار نشانه است که عبارتند از: خودمحوری، فقدان وجدان، رفتار تکانشی و جاذبه سطحی. خود محوری به اشتغال ذهنی فرد به مسایل خود و عدم حساسیت به نیازهای دیگران مربوط می شود. فرد دارای شخصیت ضد اجتماعی به زندگی خود در دنیایی که با تنهایی او آمیخته شده است ادامه می دهد، گویی که در مکان جدا و عایقی قرار دارد و هرگز دوست و آشنایی ندارد. این افراد اغلب فکر می کنند که با دیگران تفاوت دارند. آن ها ظاهراً احساس توجه و نگرانی نسبت به دیگران را درک نمی کنند. افراد دارای شخصیت ضد اجتماعی، اضطراب، گناه یا احساس های پشیمانی را حتی در صورتی که آسیب زیادی را به دیگران وارد کرده باشند، تجربه نمی کنند. آن ها اغلب، هنگامی که با رفتار تخریبی خود روبه رو می شوند، آرام و موقر باقی می ماندند و نسبت به کسی که بتواند آن ها را فریب دهند، احساس تنفر می کنند (۲).

پژوهش هایی که در این زمینه توسط پژوهشگران انجام شده است حاکی از آن است که اختلال های شخصیت و به ویژه اختلال شخصیت ضد اجتماعی با طلاق، کژکاری رابطه عاشقانه، سطوح پایین سازگاری زناشویی و روابط پر تنش بین فردی (مثل جدایی از همسر، بحث شدید با والدین یا دوستان) ارتباط دارد (۱). مطالعات نشان داده اند که سطح ویژگی های اختلال های شخصیت و به ویژه اختلال های شخصیت خوسه ب که شامل اختلال شخصیت ضد اجتماعی، خودشیفته، نمایشی و مرزی می باشد، در افراد مطلقه بیشتر از افراد عادی بوده است. این نتایج می تواند ناشی از این عامل باشد که افراد مبتلا به اختلال های شخصیت خوسه ب مشتاق تحسین و توجه اند اما بسیار پرتوقع و نیازمندند، به همین دلیل برایشان سخت است که روابط بین فردی با دوام داشته باشند (۲). علاوه بر این انگیزه آنها از ارتباط با دیگران خودخواهی غیر عادی آنها است که باعث بی ثباتی و بی دوامی رابطه شان می شود (۳). بنابراین به نظر می رسد شخصیت ضد اجتماعی موجب کاهش رضایت و بخشش زناشویی زوجین می گردد.

یک موضوع مورد توافق این است که بخشایش گری با چشم پوشی از خطا، عذرخواهی قانونی و مصالحه تفاوت دارد و بیشتر به تمایل فرد به رهاکردن حق خود برای انتقام، قضاوت منفی و رفتار بی تفاوت نسبت به کسی که به طور ناعادلانه ای به او آسیب رسانده و پرورش ویژگی هایی چون شفقت، سخاوتمندی و حتی عشق به سمت فرد خاطی اطلاق می گردد (۴). در واقع بخشایش گری در حیطه روابط زناشویی یک مهارت به شمار می رود، به طوری که خود همسران آن را یکی از عوامل مهم تداوم ازدواج می دانند (۵) و رابطه آن با مؤلفه هایی چون رضایت زناشویی و کیفیت رابطه زناشویی و همدلی تأیید شده است (۶). از سوی دیگر، رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است و در واقع، یکی از جنبه های یک سیستم زناشویی، رضایتی است که زوجین در رابطه خویش احساس و تجربه می کنند (۷). تحقیقات نشان می دهند که متغیرهایی مانند ارتباط، اعتماد متقابل، علاقه و درک متقابل، صمیمیت، تبادل افکار و احساسات با رضایت زناشویی رابطه دارند (۸). ابراز احساسات و هیجانات که نقش مهمی در رشد صمیمیت دارد، یک عامل مهم در تمایز زوج های راضی از ناراضی است (۹). زیرا احساس حمایت شدن را در افراد ایجاد می نماید (۱۰). نتایج پژوهش ها نشان دادند که ابراز هیجان از جمله مهم ترین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی محسوب شده و می تواند به طور پایایی در روابط میان همسران و رضایت زناشویی مؤثر باشد و همچنین، توانایی تشخیص و ابراز هیجان ها با سازگاری زناشویی رابطه دارد (۱۱). همان طور که ابراز هیجان می تواند به غنی سازی رابطه زناشویی بیافزاید، ناگویی و عدم ابراز هیجانات تأثیر منفی بر این رابطه داشته و رضایت زوجین از زندگی را کاهش می دهد.

ناگویی هیجانی، ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان ها است و دربرگیرنده مؤلفه های دشواری در شناسایی احساسات و تمایز بین احساسات و تهیج های بدنی مربوط با انگیختگی هیجانی، دشواری در توصیف احساسات ضعف در خیال پردازی، سبک شناختی عینی و جهت گیری فکری بیرونی است که دارای ارتباط مثبت معناداری با اختلال شخصیت ضد اجتماعی دارد (۱۲). افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، ویژگی های اساسی که برای برقراری یک رابطه صمیمی

نیاز است را ندارند (۱۳). پژوهشگران معتقدند که افراد با ناگویی هیجانی نیاز قوی به وابستگی دارند که نتیجه اش شک و تردید و بی اعتمادی به دیگران است. به دلیل بی تفاوتی و بی علاقه‌گی نسبت به دیگران، مشکلات بین شخصی متعدد در افراد با ناگویی هیجانی مشاهده شده است (۱۴). این افراد در بیان نیازهای شان به دیگران مشکل دارند و توانایی مقابله با چالش‌های بین شخصی در موقعیت‌های اجتماعی را ندارند (۱۵). بهزیستی روانی افراد به طور قابل توجهی تحت تأثیر روابط صمیمی بین فردی قرار دارد و توانایی ایجاد و حفظ رابطه عاشقانه و رضایت بخش نیازمند توانایی تشخیص هیجانات و توانایی ابراز آنها و درک و توجه به احساسات دیگران است (۱۶ و ۱۷). پژوهشگران در مطالعه ثبات و تغییر در روابط بیان می‌دارند که ارتباطات بین فردی نقش سازنده‌ای در رضایت زناشویی دارند (۱۸). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان پیش بینی کرد که ناگویی هیجانی، مشکلات بین فردی زوجین را افزایش می‌دهد، زیرا ناگویی هیجانی ارتباطات صمیمانه را سخت‌تر می‌کند. با این توصیف، به نظر می‌رسد ناگویی هیجانی می‌تواند زمینه مشکلات بین فردی زنان دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی را فراهم آورد یا آن را تشدید نماید. لذا با توجه به نقشی که هیجانات و عواطف و روابط صمیمانه در بهزیستی روانی و دوام روابط در زندگی مشترک دارند، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این روابط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش پیش بینی کننده ناگویی هیجانی در رضایت زناشویی و بخشش زناشویی زنان دارای شخصیت ضد اجتماعی بود.

روش و مواد

روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این مطالعه شامل زنان دارای پرونده طلاق ارجاع داده شده به واحد مشاوره دادگستری مناطق ۱ و ۲ شهر تهران از مهر تا آذر سال ۱۳۹۶ بود. نمونه پژوهش شامل ۱۲۳ نفر از زنان بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس به دست آمد. روش نمونه‌گیری به این ترتیب بود که ابتدا چهار واحد مشاوره دادگستری در دو منطقه ۱ و ۲ شناسایی، سپس با هماهنگی مسئولان آنها، پرسشنامه‌ها بین افرادی که به این واحدهای مشاوره مراجعه می‌کردند و حاضر به شرکت در پژوهش بودند، پخش شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت‌اند از ۱- دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال، ۲- دارا بودن پرونده طلاق در واحد مشاوره دادگستری ۳- گرفتن یک انحراف معیار بالاتر از میانگین در سبک شخصیت ضد اجتماعی یا کسب نمره ۱۸ به بالا در آزمون میلیون ۴- تأیید اختلال توسط روانشناس به وسیله مصاحبه بالینی. ملاک خروج از پژوهش نیز ارایه اطلاعات ناقص بود. تعداد نمونه با توجه به سطح اطمینان ۰/۹۵، توان ۰/۸۰ و سطح آلفای ۰/۰۵، تعداد نمونه مناسب ۱۲۰ نفر بدست آمد. از میان ۵۸۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده از شرکت‌کنندگان، تعداد ۱۲۳ نفر (۲۰/۸٪) از افراد دارای این سبک شخصیت تشخیص داده شدند و جهت تجزیه و تحلیل انتخاب گردید و مابقی پرسشنامه‌ها از روند تجزیه و تحلیل حذف گردید.

روش اجرا به این صورت بود که قبل از اجرای پرسشنامه‌ها، اطلاعاتی در اختیار افراد درباره موضوع پژوهش قرار گرفت و روش اجرا به شیوه فردی بود. کل فرآیند دو ماه به طول انجامید. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند: کلیه افراد به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می‌نمودند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

پرسشنامه بخشش زناشویی: این مقیاس به وسیله Ray در سال ۱۹۹۸ توسعه یافته است. این پرسشنامه از ۱۵ گویه و ۲ خرده مقیاس فقدان احساس منفی (۱۰ سوال) و وجود احساس مثبت (۵ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش بخشش در افراد به کار می‌رود و نمره‌های بالاتر در این مقیاس نشان دهنده گذشت بیشتر نسبت به آزاردهنده می‌باشد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. جهت بررسی روایی همزمان پرسشنامه، این پرسشنامه را با مقیاس سنجش گذشت Enright مورد مقایسه قرار گرفت و همبستگی به دست آمده به شیوه هم‌تأسی نسبتاً بالا بود (۰/۷۵-۰/۵۰) (r=۰/۷۵) (۱۹). پایایی این ابزار هم در پژوهش اردلانی، رفاهی و هنرپروران (۱۹)

با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و با روش دو نیمه سازی ۰/۸۱ به دست آمد. در این پژوهش، پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۷ به دست آمد.

پرسشنامه ناگویی هیجانی: مقیاس ناگویی هیجانی Toronto توسط Bagby و همکاران در سال ۱۹۹۴ ساخته شد. این مقیاس، یک آزمون ۲۰ سؤالی است و سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات (شامل ۷ ماده)، دشواری در توصیف احساسات (شامل ۵ ماده) و تفکر عینی (شامل ۸ ماده) را در اندازه های پنج درجه ای لیکرت از نمره ۱ کاملاً مخالف تا نمره ۵ کاملاً موافق می سنجد (۲۰). یک نمره کل برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می شود. ویژگی های روانسنجی مقیاس ناگویی هیجانی Toronto در پژوهش های متعدد بررسی و تأیید شده است. در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی Toronto ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه، زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. پایایی بازآزمایی مقیاس ناگویی هیجانی Toronto در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از $r=0/80$ تا $r=0/87$ برای ناگویی هیجانی کل و زیر مقیاس های مختلف تأیید شد (۲۱). در این پژوهش پایایی به دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بود.

پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich: پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich که توسط Fowers & Olson در سال ۱۹۸۹ تهیه شد و دارای ۴۷ گویه می باشد. این ابزار به صورت پنج گزینه ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) در نظر گرفته شده است که به هریک از عدد یک تا پنج امتیاز داده می شود (۲۲). اعتبار بازآزمایی پرسش نامه در فاصله چهار هفته بین ۰/۷۷ (برای فعالیت های اوقات فراغت) تا ۰/۹۲ (برای روابط جنسی و تحریف آرمانی) با میانگین ۰/۸۶ بوده است. همچنین اعتبار آزمون انریچ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی، به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴) و برای مردان و زنان (۰/۹۴)، به دست آمد (۲۳). در این پژوهش پایایی به دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بود.

آزمون بالینی چند محوری MCMI-III: این مقیاس توسط Millon در سال ۱۹۷۷ تدوین گردیده و از آن زمان تا کنون دوبار تجدید نظر شده است. سیاهه چند محوری Millon (MCMI) یک آزمون خودسنجی استاندارد شده است که دامنه وسیعی از اطلاعات مربوط به شخصیت، سازگاری هیجانی، و نگرش مراجعان را می سنجد. این ابزار از جمله آزمون هایی است که بر اساس مدل آسیب شناسی روانی Millon ساخته شده است. این آزمون یکی از پرکاربردترین آزمون ها در حرفه بالینی است. MCMI-III شامل ۱۷۵ گویه است که تحت ۲۸ مقیاس جداگانه و براساس طبقه بندی های زیر نمره گذاری می شود: شاخص های تغییر پذیری، الگوهای شخصیت بالینی، آسیب شناسی شدید شخصیت، نشانگان بالینی و نشانگان شدید. مطالعات مربوط به اعتبار و روایی این آزمون نشان می دهد. اندازه های همسانی درونی آن به ویژه بالا است. ضرایب آلفای مقیاس های ۲۰ و ۲۶ بیش از ۰/۸۰ و برای مقیاس های افسردگی و وسواس عملی آن به ترتیب بالاتر از ۰/۹۰ و پایین تر از ۰/۶۶ است. همچنین ضرایب اعتبار بالایی با میانه ۰/۹۱ گزارش شده است (بالاترین آن ۰/۹۶ برای اختلال جسمانی شکل و پایین ترین آن ۰/۸۲ برای تحقیر) (۲۴). در ایران، ضریب پایایی این آزمون به شیوه بازآزمایی با فاصله ۷ تا ۱۰ روز از دامنه (۰/۷۸) اختلال هذیانی به دست آمده است (۲۵). در این مطالعه میانگین همسانی درونی به روش ۰/۸۴ KR-2، که دامنه مقیاس ها ۰/۶۴ (اختلال هذیانی) تا ۰/۹۲ (مرزی) به دست آمده است. از نظر Millon نمره BR ۷۵-۶۰ بیانگر سبک شخصیتی، BR ۷۵-۸۴ بیانگر اختلال شخصیتی است که به گونه دیگر تصریح نشده (NOS) همراه با صفات شخصیت (یعنی فرد واجد برخی از صفات شخصیتی آن اختلال می باشد نه همه صفات)، BR بزرگتر از ۸۴ بیانگر تمام ویژگی های آن اختلال می باشد (۲۴).

جهت بررسی و تجزیه و تحلیل آماری، اطلاعات خام به دست آمده از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی جهت محاسبه فراوانی ها، تعیین شاخص های مرکزی، پراکندگی، ترسیم جداول و نمودارها استفاده و در آمار

استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به منظور بررسی تأثیر متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک استفاده شد. همچنین کلیه محاسبات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS-22 انجام گرفت.

یافته ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان، (۴/۱) ۳۷/۲ سال بود. از لحاظ سن، تعداد ۳۹ (۳۱/۷٪) نفر از شرکت کنندگان بین ۲۵ تا ۳۰ سال، تعداد ۲۵ (۲۰/۳٪) نفر بین ۳۱ تا ۳۵، تعداد ۲۱ (۱۷٪) نفر بین ۳۶ تا ۴۰ و ۳۸ (۳۰/۸٪) نفر در فاصله سنی ۴۵ تا ۵۰ سال بودند. ۳۶ (۲۹/۲٪) نفر دارای مدرک دیپلم، ۵۱ (۴۱/۴٪) نفر دارای مدرک کارشناسی و ۳۶ (۲۹/۲٪) نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

جدول شماره ۱- شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	(انحراف معیار) میانگین	بخشش زناشویی	رضایت زناشویی	P
دشواری در شناسایی احساسات	۱۴/۳ (۲/۱)	-۰/۳۶**	-۰/۴۱**	۰/۰۰۱
دشواری در توصیف احساسات	۱۲/۶ (۳/۱)	-۰/۵۳**	-۰/۴۶**	۰/۰۰۱
تفکر عینی	۱۶/۴ (۵/۹)	-۰/۶۱**	-۰/۴۹**	۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی	۴۴/۳ (۱۱/۸)	-۰/۳۹**	-۰/۳۱**	۰/۰۰۱
رضایت زناشویی	۷۶/۷ (۱۴/۱)	-۰/۴۲**	-	۰/۰۰۱
بخشش زناشویی	۳۱/۵ (۷/۶)	-	-۰/۴۲**	۰/۰۰۱

از آن جایی که تمام سطوح معناداری در آزمون کلموگروف-اسمیرنف بزرگ تر از ۰/۰۵ بود، بنابراین توزیع نرمات در متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری با توزیع نرمال نداشتند. همچنین نتایج آزمون لون و سطح معناداری آن که در تمام موارد بزرگتر از ۰/۰۵ بود و نشان داد واریانس ها همگن اند. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش است که از آزمون همبستگی Pearson استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ مشاهده می شود.

جدول شماره ۲- رگرسیون چند گانه همزمان بخشش و رضایت زناشویی براساس ناگویی هیجانی

متغیر	R	R ²	R ² اصلاح شده	F	Beta	t	P
مقدار ثبات	۰/۸	۰/۶۵	۰/۶۴	۷۵/۵۸	-	۱۱/۶۵	۰/۰۰۱
دشواری در شناسایی احساسات					-۰/۴۳	-۹/۲۲	۰/۰۰۱
دشواری در توصیف احساسات					-۰/۳۵	-۱/۹۸	۰/۰۴
تفکر عینی					-۰/۵۰	-۲/۷۲	۰/۰۰۷
ناگویی هیجانی					-۰/۱۸	-۳/۶۸	۰/۰۰۱

نتایج این مدل نشان داد که دشواری در شناسایی احساسات ($\text{Beta} = -0/43, t = -9/22, P < 0/001$)، دشواری در توصیف احساسات ($\text{Beta} = -0/35, t = -1/98, P < 0/05$)، تفکر عینی ($\text{Beta} = -0/50, t = -2/72, P < 0/01$)، و ناگویی هیجانی ($\text{Beta} = -0/18, t = -3/68, P < 0/001$) توانستند به طور منفی بخشش و رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. این بدان معنا است که هر چه دشواری در توصیف احساسات، شناسایی احساسات و تفکر عینی بیشتر باشد، بخشش و رضایت زناشویی کمتر می شود.

بحث

مطالعه نشان داد که ناگویی هیجانی نقش پیش بینی کننده ای در بخشش و رضایت زناشویی مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی در زنان دارای پرونده طلاق دارد و هر چه دشواری در توصیف احساسات، شناسایی احساسات و تفکر عینی بیشتر باشد، بخشش و رضایت زناشویی کمتر می شود. این نتایج با یافته های برخی مطالعات مانند پژوهش بشارت (۱۰)

مبنی بر رابطه مشکلات بین فردی و ناگویی هیجانی همسویی دارد. همچنین نتایج این مطالعه با پژوهش Schuetz & Multon (۱۱) مبنی بر رابطه ناگویی هیجانی، مشکلات بین فردی و فهم خود با پریشانی روان شناختی دانشجویان و پژوهش Berger و همکاران (۱۸) که نشان داده اند ابراز هیجان و ارتباط بین فردی نقش مهمی در رضایت زناشویی ایفا می نمایند همسو و سازگار است.

با توجه به اینکه عواطف و هیجانات نقش مهمی در روابط صمیمی بین زوجین دارند، لذا نارسایی در هیجانات، زوجین را با مشکلات متعدد مواجه می سازد و رضایت زناشویی را کاهش می دهد، زیرا ویژگی های اساسی که برای برقراری یک رابطه صمیمی نیاز است در افراد مبتلا با نارسایی هیجانی کم است، به خصوص اینکه افراد نمونه زنان دارای پرونده طلاق بودند که آمادگی هرگونه مشکلات در روابط زناشویی خود را داشته و این موضوع تأثیر بسیار فراوانی بر رضایت زناشویی آنها داشته است (۱۱). افراد با ناگویی هیجانی سطوح کمتری از همدلی را که لازمه یک ارتباط صمیمانه است از خود نشان می دهند (۲۵). تحقیقات اخیر نشان می دهند که ناگویی هیجانی اثرات منفی بر بهزیستی روان شناختی و هیجانی می گذارد و عاملی خطر ساز در ابتلا افراد به پریشانی هیجانی، مشکلات روان شناختی و تشخیص عدم سلامت ذهنی است (۲۶). ناگویی هیجانی، افراد را با مشکلات متعددی در روابط بین فردی مواجه می سازد. وقتی اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می شود که این ناتوانی سازمان عواطف و شناخت های فرد را مختل می سازد (۱۰). بنابراین چنین به نظر می رسد که اگر فردی مشکلات بین فردی داشته و از ناگویی هیجانی نیز رنج ببرند، بالطبع رضایت زناشویی پایینی را تجربه خواهند کرد (۲۷).

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مؤلفه های ناگویی هیجانی به طور معنی داری رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند. به نظر می رسد که دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و داشتن تفکر عینی به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار داده و پایین می آورد. بر این اساس به دو دسته پیامدهای نظری و عملی پژوهش حاضر می توان اشاره کرد: در سطح نظری، یافته های پژوهش حاضر می تواند هم نظریه های فعلی در زمینه ناگویی هیجانی و روابط بین شخصی را تأیید نماید و هم پرسش ها و فرضیه های جدید در مورد رابطه این متغیرها را مطرح سازد. حال این پرسش مطرح می شود که ناگویی هیجانی چه نقشی در روابط زناشویی سایر زوجین با مشکلات شخصیتی دیگر دارد. در سطح عملی، تهیه برنامه های آموزشی در زمینه افزایش مهارت های هیجانی و ابرازگری هیجانی می تواند راهبردهای مناسب را به افراد از جمله زوجین آموزش دهد. این برنامه ها می توانند به صورت برنامه های مداخله ای در زمینه پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم و مدیریت هیجانات انجام شود. این پژوهش با محدودیت هایی نیز مواجه بوده است: جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت هایی را در زمینه تعمیم یافته ها و تفسیر یافته ها مطرح می سازد. نمونه مطالعه زنان دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی بوده است که در تعمیم یافته ها به سایر جمعیت ها باید احتیاط شود. همچنین مشکلات احتمالی مربوط به مقیاس ناگویی هیجانی Toronto را باید در نظر داشت.

نتیجه گیری

مطالعه نشان داد که مؤلفه های ناگویی هیجانی رضایت و بخشش زناشویی را پیش بینی می کنند. به نظر می رسد که دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و داشتن تفکر عینی به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار داده و پایین می آورد.

تشکر و قدردانی

از تمامی افراد شرکت کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی می گردد. این مقاله دارای کد کمیته اخلاق IR.IAUZAH.REC.1396.27893 دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان می باشد.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. Bouchard S, Sabourin S. Borderline Personality Disorder and Couple Dysfunctions. *Current Psychiatry Reports*. 2009;11(1):55-62.
2. Disney KL, Weinstein Y, Oltmanns TF. Personality Disorder Symptoms Are Differentially Related to Divorce Frequency. *Journal of Family Psychology*. 2012;26(6):959-967.
3. Humbad MN, Donnellan MB, Iacono WG, Burt SA. Externalizing Psychopathology and Marital Adjustment in Long-term Marriages: Results from a Large Combined Sample of Married Couples. *Journal of Abnormal Psychology*. 2010;119(1):151-159.
4. McDonald JE, Olson JR, Lanning AH, Goddard HW, Marshall JP. Effects of Religiosity, Forgiveness, and Spousal Empathy on Marital Adjustment. *Marriage & Family Review*. 2017:1-24.
5. Fincham FD, May R, Beach SR, Knee CR, Reis HT. Forgiveness Interventions for Optimal Close Relationships: Problems and Prospects. *Positive Approaches to Optimal Relationship Development*. 2016:304-25.
6. Chung MS. Pathways between Attachment and Marital Satisfaction: The Mediating Roles of Rumination, Empathy, and Forgiveness. *Personality and Individual Differences*. 2014;70:246-51.
7. Yedirir S, Hamarta E. Emotional Expression and Spousal Support as Predictors of Marital Satisfaction: The Case of Turkey. *Educational Sciences: Theory and Practice*. 2015;15(6):1549-58.
8. Bloch L, Haase CM, Levenson RW. Emotion Regulation Predicts Marital Satisfaction: More than a Wives' Tale. *Emotion*. 2014;14(1):130-140.
9. Hyun S, Joseph H. Korean Pastors and Their Wives' Marital Satisfaction and Its Predicting Factors. *Pastoral Psychology*. 2010;59(4):495-512.
10. Besharat MA. Alexithymia and Interpersonal Problems. *Studies in Education and Psychology* 2009; 1(10): 129-5. [Full text in Persian]
11. Schuetz S, Multon KD. The Relationship of Alexithymia, Interpersonal Problems and Self-Understanding to Psychological Distress in College Students. *North American Journal of Psychology*. 2017;19(1):139-147.
12. Berger SS, Elliott C, Ranzenhofer LM, Shomaker LB, Hannallah L, Field SE, Young JF, Sbrocco T, Wilfley DE, Yanovski JA, Tanofsky-Kraff M. Interpersonal Problem Areas and Alexithymia in Adolescent Girls with Loss of Control Eating. *Comprehensive Psychiatry*. 2014;55(1):170-8.
13. Park Y, Kim Y, Cho S. The Effects of Anxiety Attachment on Pain Catastrophizing, Recognition of Emotionally Ambiguous Facial Expression, and Interpersonal Problems in Patients with Chronic Pain: Preliminary Study. *The Journal of Pain*. 2015;16(4):S103.
14. Brown S, Fite PJ, Stone K, Bortolato M. Accounting for the Associations between Child Maltreatment and Internalizing Problems: the Role of Alexithymia. *Child Abuse & Neglect*. 2016;52:20-8.
15. Puşcaşu AI, Usaci D. The Impact of Alexithymia on Interpersonal Relationships in Adolescence. *Romanian Journal of Experimental Applied Psychology*. 2016;7 (3): 54-64.
16. Mohsin MN, Buzdar MA, Mohsin MS, Salee S. Anxiety, Alexithymia, and Interpersonal Communication Styles among Pakistani University Teachers. *J Depress Anxiety S*. 2016;2:1-3.
17. Garofalo C, Velotti P, Zavattini GC, Kosson DS. Emotion Dysregulation and Interpersonal Problems: The Role of Defensiveness. *Personality and Individual Differences*. 2017;119:96-105.
18. Akbarzadeh D, Akbarzadeh H, Mohammadzadeh A. A Comparison of Communication Skills, Psychological Well-being, and Alexithymia between Female Applicants and Non-applicants of Divorce. *Journal of Kerman University of Medical Sciences*. 2016;23(1):94-105. [Full text in Persian]
19. Ardalani L, Refahi Z, Honarparvaran N. Evaluate the Effectiveness of Training Imago-therapy on Willingness to Forgive in Betrayed Couples. *Indian Journal of Positive Psychology*. 2016;7(1):88-94.
20. Li S, Zhang B, Guo Y, Zhang J. The association between alexithymia as assessed by the 20-item Toronto Alexithymia Scale and depression: a meta-analysis. *Psychiatry Research*. 2015;227(1):1-9.
21. El Abiddine FZ, Dave H, Aldhafri S, El-Astal S, Hemaïd F, Parker JD. Cross-Validation of the 20-item Toronto Alexithymia Scale: Results from an Arabic Multicenter Study. *Personality and Individual Differences*. 2017;113:219-22.

22. Yoshāny N, Morowatisharifabad MA, Mihanpour H, Bahri N, Jadgal KM. The Effect of Husbands' Education Regarding Menopausal Health on Marital Satisfaction of Their Wives. *Journal of Menopausal Medicine*. 2017;23(1):15-24.
23. Jahromi MK, Zare A, Taghizadeganzadeh M, Koshkaki AR. A Study of Marital Satisfaction among Non-depressed and Depressed Mothers after Childbirth in Jahrom, Iran. *Global Journal of Health Science*. 2015;7(3):140.
24. Mohammadi MR, Ahmadi N, Kamali K, Khaleghi A, Ahmadi A. Epidemiology of Psychiatric Disorders in Iranian Children and Adolescents (IRCAP) and Its Relationship with Social Capital, Life Style and Parents' Personality Disorders: Study Protocol. *Iranian Journal of Psychiatry*. 2017;12(1):66-73.
25. Jonason PK, Lyons M, Bethell EJ, Ross R. Different routes to limited empathy in the sexes: Examining the links between the Dark Triad and empathy. *Personality and Individual Differences*. 2013;54(5):572-576.
26. Mattila AK, Ahola K, Honkonen T, Salminen JK, Huhtala H, Joukamaa M. Alexithymia and occupational burnout are strongly associated in working population. *Journal of psychosomatic research*. 2007;62(6):657-65.
27. Khaje F, Khezri-Moghadam N. The Relationships between alexithymia and interpersonal problems with marital satisfaction in married female nurses of the public hospitals in Kerman City. *The J Urmia Nurs Midwifery Fac*. 2016;14(7):630-8.

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو

پاسخگوی گرامی، سلام

هریک از عبارات های زیر را بخوانید و با انتخاب یکی از گزینه های زیر مشخص کنید تا چه حدی با هریک از آنها موافق یا مخالفید. وقت زیادی روی هر عبارت صرف نکنید اولین واکنش ذهنی شما به هر عبارت بهترین پاسخ شما است.

کاملاً موافق	تا حدودی موافق	نه مخالف نه موافق	تا حدودی مخالف	کاملاً مخالف	
					۱-اغلب برایم مهم است چه احساسی دارم.
					۲-برای من مشکل است واژه های مناسبی برای احساساتم پیدا کنم.
					۳-در بدنم حسها و حالتهایی بوجود می آید که حتی پزشکان هم آنها را درک نمی کنند.
					۴-می توانم احساساتم را براحتی توصیف کنم.
					۵-ترجیح می دهم بجای اینکه مشکلات را صرفاً توصیف کنم آنها را تحلیل نمایم.
					۶-وقتی ناراحتم، نمی دانم آیا غمگین، وحشتزده و یا عصبانی هستم.
					۷-اغلب حالت ها و حس هایی که در جسمم بوجود می آید برایم مبهم و یک معماست.
					۸-ترجیح می دهم بجای اینکه چرا امری رخ می دهد، صرفاً بگذارم که اتفاق بیفتد.
					۹-احساساتی دارم که نمی توانم آنها را بخوبی شناسایی کنم.
					۱۰-تماس داشتن با هیجان ها امری ضروری است.
					۱۱-برایم مشکل است احساسم را درباره دیگران توصیف کنم.
					۱۲-دیگران از من می خواهند که احساساتم را بیشتر توضیح دهم.
					۱۳-نمی دانم در درونم چه می گذرد.
					۱۴-اغلب نمی دانم چرا عصبانی هستم.
					۱۵-ترجیح می دهم با دیگران درباره برنامه های روزانه شان صحبت کنم تا احساساتشان.
					۱۶-ترجیح می دهم برنامه های تفریحی تماشا کنم تا نمایش هایی که به عمق شخصیت انسان ها می پردازد.
					۱۷-برایم مشکل است احساسات عمیقم را حتی با یک دوست نزدیک در میان بگذارم.
					۱۸-می توان به یک نفر، حتی در لحظاتی که سکوت حکمفرماست، احساس نزدیکی کنم.
					۱۹-برای حل مشکلات شخص ام بررسی احساساتم را مفید می دانم.
					۲۰-نگاه به معنای پنهان فیلم ها و یا نمایشنامه ها مانع لذت بردن از تماشای آنها می شود.

پرسش نامه رضایت زناشویی ENRICH

این پرسش نامه شامل جملاتی در باره جنبه های مختلف زندگی شماسست که ممکن است با آن موافق یا مخالف باشید. ابتدا هر جمله را با دقت بخوانید و سپس میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از جمله های زیر مشخص کنید. توجه داشته باشید جواب صحیح یا غلط وجود ندارد. سعی نمایید حتی الامکان از پاسخ به مورد «نه موافق و نه مخالف» خودداری کنید. فقط وقتی این مورد را علامت بزنید که در موافق یا مخالف بودن خود نسبت به یک جمله کاملاً شک تردید داشته باشید.

ردیف	سؤال	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	من و همسرم یک دیگر را کاملاً درک می کنیم.					
۲	همسرم خلق و خوی مرا درک می کند و با آن سازگاری دارد.					
۳	هرگز حتی برای یک لحظه از رابطه با همسرم تأسف نخورده ام.					
۴	از ویژگی های شخصیتی و عادات شخصی همسرم راضی نیستم.					
۵	از این که در زندگی مشترکمان مسئولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالییم.					
۶	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم وی مرا درک نمی کند.					
۷	از نحوه تصمیم گیری ها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم.					
۸	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن راضی نیستم.					
۹	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات فراغت در کنار همسرم بسیار خشنود هستم.					
۱۰	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.					
۱۱	از نحوه ایفای نقش و مسئولیت خود و همسرم به عنوان «والدین» راضی نیستم.					
۱۲	گاهی اوقات همسرم قابل اعتماد نیست و همیشه خط مشی خود را دنبال می کند.					
۱۳	همسرم گاهی اوقات حرف هایی می زند که باعث تحقیر می شود.					
۱۴	هنگام درمیان گذاشتن مشکلات با همسرم معمولاً فکر می کنم که او مرا درک نمی کند.					
۱۵	در تصمیم گیری های مالی مشکل داریم.					
۱۶	از اینکه نمی توانم بدون اجازه همسرم پول خرج کنم باعث آزارم می شود.					
۱۷	تا زمانی که همسرم در کنارم نباشد به من خوش نمی گذرد.					
۱۸	از اینکه همسرم نزدیکی را به صورت غیر منصفانه قبول یا رد کند ناراحت می شوم.					
۱۹	اختلاف نظر راجع به اینکه تاچه اندازه باید به فرزندانمان برسیم برای ما به صورت مشکلی در آمده است.					
۲۰	من احساس می کنم والدینمان مشکلاتی را در زندگی زناشویی ما بوجود می آورند.					
۲۱	من و همسرم در اینکه چگونه به اعتقادات مذهبی مان عمل کنیم اختلاف نظر داریم.					
۲۲	گاهی اوقات همسرم خیلی کله شق است.					
۲۳	گاهی اوقات می ترسم نیاز خود را از همسرم درخواست کنم.					
۲۴	گاهی اوقات در باره ی مسایل جزئی، جروبحث های جدی داریم.					
۲۵	از نحوه تصمیم گیری راجع به میزان پس اندازمان بسیار راضی هستم.					

ردیف	سؤال	کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	نه موافق نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۲۶	به نظر می رسد من و همسر من به مهمانی ها و فعالیت های اجتماعی یکسانی علاقمند هستیم.					
۲۷	از میزان ابراز عشق و محبت (پیش از نزدیکی) از سوی همسر من راضی هستم.					
۲۸	من و همسر من در چگونگی کنترل رفتار فرزندانمان توافق داریم.					
۲۹	ما به قدر کافی با اقوام و دوستانمان وقت صرف می کنیم.					
۳۰	من معتقدم که در زندگی زناشویی مان دچار اختلاف عقیدتی هستیم.					
۳۱	دیر آمدن همسر من به منزل مرا آزار می دهد.					
۳۲	ای کاش همسر من بیش تر مایل بود مرا شریک احساساتش کند.					
۳۳	برای اجتناب از درگیری همسر من دست به هر کاری می زنم.					
۳۴	من و همسر من هر دو از بدی های اصلی اطلاع داریم و در نتیجه آن ها برای ما مشکل جدی به شمار نمی آیند.					
۳۵	تصور نمی کنم همسر من برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری اش همراه من فرصت یا توان کافی داشته باشد.					
۳۶	ما به دنبال یافتن راه هایی هستیم تا از طریق آن بتوانیم روابط جنسی مان را جالب تر و لذت بخش تر سازیم.					
۳۷	به نظر می رسد که بچه ها علت اصلی ایجاد مشکلات در روابط ما هستند.					
۳۸	از این که وقت من را با بعضی از بستگان همسر من صرف کنم لذت نمی برم.					
۳۹	من و همسر من در باره بعضی از آموخته های مذهبی مان توافق نداریم.					
۴۰	گاهی اوقات همسر من خیلی مستبد است.					
۴۱	گاهی اوقات باور کرده تمام حرف های همسر من برایم مشکل است.					
۴۲	گاهی اوقات فکر می کنم کشمکش های بین من و همسر من چنان ادامه دارد و پایان نخواهد یافت.					
۴۳	از این که همسر من علایق و سرگرمی های شخصی کافی ندارد نگران هستم.					
۴۴	هنگام صحبت راجع به مسایل جنسی با همسر من کاملاً احساس راحتی می کنم.					
۴۵	از زمانی که صاحب فرزند شده ایم به عنوان یک زوج برای ما هم بودن بندرت فرصت کافی داریم.					
۴۶	همسر من زیادی وقتش را با دوستان و اقوامش می گذراند.					
۴۷	من و همسر من به خاطر اعتقادات مذهبی مان احساس محدودیت می کنیم.					

پرسشنامه بخشش Rey

هدف: سنجش بخشش در افراد

ردیف	عبارات	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	نمی توانم فکر کردن درباره ی اشتباه شخص خطاکار را کنار بگذارم.					
۲	گاهی وقت ها، به راه های بخشیدن شخصی خطاکار فکر می کنم.					
۳	نسبت به شخص خطاکار، احساس عصبانیت می کنم.					
۴	از مکان ها یا افرادی که شخص خطاکار را به یادم می آورد، پرهیز می کنم.					
۵	عمل اشتباه شخص خطاکار، من را از لذت بردن از زندگی محروم کرده است.					
۶	می توانم خود را از فکر کردن به شخص خطاکار رها کنم.					
۷	وقتی به این فکر می کنم که چطور با من رفتار شده است، احساس افسردگی می کنم.					
۸	احساس می کنم، بیشتر صدمه های روحی ناشی از عمل اشتباه شخص خطاکار، بهبود یافته است.					
۹	وقتی به شخص خطاکار فکر می کنم، نسبت به او احساس تنفر می کنم.					
۱۰	احساس می کنم، زندگی ام در اثر عمل اشتباه شخص خطاکار مختلف شده است.					
۱۱	آرزوی بهترین ها را برای شخص خطاکار دارم.					
۱۲	برای شخص خطاکار دعا می کنم.					
۱۳	رو به رو شدن با شخص خطاکار به من احساس آرامش می دهد.					
۱۴	دلم برای شخص خطاکار می سوزد.					
۱۵	امیدوارم شخص خطاکار، در آینده با رفتار خوب دیگران مواجه شود.					

پرسشنامه چند محوری بالینی میلون ۳ Millon Clinical Multiaxial Inventory (MCMI-III)

دفترچه ای که در اختیار شما قرار گرفته است دارای جمله هایی است که مردم برای توصیف خودشان به کار می برند. این جمله ها برای کمک به توصیف احساس، رفتار و طرز فکر شما در نظر گرفته شده است. صداقت و جدیت شما در علامت گذاری جمله ها به شناخت شما کمک می کند. چنانچه تعدادی از سوال ها غیر واقعی به نظر می آیند یا با شرایط شما منطقی نیستند، نگران نباشید زیرا آن ها برای توصیف افرادی با مشکلات مختلف تهیه شده اند.

- اگر شما با یک جمله موافق هستید یا معتقدید که منطبق با وضعیت شماست واژه " بلی " را در پاسخنامه علامت بزنید.
- اگر شما با یک جمله موافق نیستید یا معتقدید که در مورد شما صحت ندارد واژه " خیر " را در پاسخنامه علامت بزنید.
- سعی کنید به همه جمله ها جواب دهید حتی اگر از انتخاب خود مطمئن نیستید.
- اگر حداکثر سعی خود را نمودید ولی نتوانستید نتیجه بگیرید، واژه خیر را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱. اخیراً، حتی صبح ها احساس ضعف و بی حالی می کنم.
۲. برای قوانین و مقررات احترام زیادی قائلم، زیرا از حقوق افراد حمایت می کنند.
۳. به قدری از انجام دادن کارهای مختلف لذت می برم، که نمی توانم تصمیم بگیرم، کدام یک را اول انجام بدهم.
۴. بیشتر وقت ها احساس ضعف و خستگی می کنم.
۵. چون فکر می کنم آدم بزرگ و مهمی هستم برایم مهم نیست که دیگران در مورد من چه فکری می کنند.
۶. دیگران به اندازه کافی قدر کارها و زحمات مرا نمی دانند.
۷. اگر خانواده ام به من زور بگویند احتمالاً عصبانی می شوم و در برابر خواست آنها مقاومت می کنند.
۸. مردم پشت سرم در مورد قیافه و رفتارم حرف می زنند و مسخره ام می کنند.
۹. اغلب اگر کسی اذیتم کند به شدت از او انتقاد می کنم.
۱۰. به ندرت تحت تأثیر چیزی قرار می گیرم.
۱۱. هنگام راه رفتن نمی توانم تعادلم را حفظ کنم.
۱۲. به آسانی و به سرعت احساساتم را بروز می دهم.
۱۳. استعمال مواد مخدر اغلب مرا به دردسر می اندازد.
۱۴. گاهی اوقات با خانواده ام بسیار تند و خشن برخورد می کنم.
۱۵. خوشی های من دوام چندانی ندارند.
۱۶. من آدمی خیرخواه و فروتن هستم.
۱۷. در نوجوانی به خاطر رفتار بدی که در مدرسه داشتم دچار دردسرهای فراوانی می شدم.
۱۸. از ارتباط نزدیک با دیگران می ترسم، زیرا ممکن است رسوا شوم و مسخره ام کنند.
۱۹. دوستانی را انتخاب می کنم که بدی هایم را به من گوشزد کنند.
۲۰. اغلب از دوره کودکی افکار غم انگیزی به خاطر دارم.
۲۱. من ارتباط با جنس مخالف را دوست دارم.
۲۲. بسیار دمدمی مزاج هستم، دایم نظرات و احساساتم را تغییر می دهم.
۲۳. هرگز مصرف مواد مخدر، مشکل جدی در کارم به وجود نیاورده است.
۲۴. چندسالی است که احساس می کنم در زندگی شکست خورده ام.
۲۵. نمی دانم چرا اغلب دچار پشیمانی و احساس گناه می شوم.
۲۶. دیگران نسبت به قدرت من حسادت می کنند.
۲۷. اگر حق انتخاب داشته باشم ترجیح می دهم تنها کار کنم.
۲۸. فکر می کنم نظارت و کنترل دقیق بر اعضای خانواده ام لازم و ضروری است.
۲۹. دیگران مرا آدمی گوشه گیر و منزوی می دانند.

۳۰. اخیرا دلم می خواهد چیزها را بشکنم.
۳۱. من با جذابیت خودم می توانم توجه هر فرد خاصی را به خودم جلب کنم.
۳۲. من همیشه دنبال این هستم که دوستان جدیدی پیدا کنم و با افراد تازه ای نشست و برخاست کنم.
۳۳. اگر کسی از من انتقاد کند فوراً خطاها و عیب های او را بیان می کنم.
۳۴. تازگی ها به کلی خرد شده ام.
۳۵. اغلب از انجام کار دست می کشم، زیرا می ترسم آن را درست انجام ندهم.
۳۶. اغلب خشم و عصبانیتم را بروز می دهم و بعد پشیمان می شوم.
۳۷. گاهی قدرت حس کردن را در بعضی از قسمت های بدنم از دست می دهم.
۳۸. من بدون توجه به این که انجام کاری چه اثری بر دیگران دارد کارم را انجام می دهم.
۳۹. مصرف مواد مخدر ممکن است عاقلانه نباشد ولی در گذشته حس می کردم به آن احتیاج دارم.
۴۰. من آدم آرام و ترسوئی هستم.
۴۱. اغلب احمقانه و بی مقدمه رفتار می کنم به طوری که بعداً مرا به دردمس می اندازد.
۴۲. هرگز کسی را که از من سوءاستفاده کرده نمی بخشم، یا موقعیت دردناکی را که تحمل کرده ام فراموش نمی کنم.
۴۳. اغلب بعد از آن که حادثه برایم اتفاق افتاد احساس ناراحتی و تنش می کنم.
۴۴. اکثر اوقات احساس افسردگی و ناراحتی وحشتناکی دارم.
۴۵. همیشه سعی می کنم دیگران را از خود خشنود کنم حتی اگر از آنها بدم بیاید.
۴۶. در مقایسه با دیگران، همیشه کمتر به مسائل جنسی علاقه نشان داده ام.
۴۷. وقتی اتفاق بدی می افتد، احساس گناه می کنم.
۴۸. از خیلی وقت پیش، صلاح خود را در این دیده ام که با دیگران کمتر رابطه داشته باشم.
۴۹. از بچگی مواظب بودم کسی سرم کلاه نگذارد.
۵۰. از آدم هایی که خیال می کنند هر کاری را می توانند بهتر از من انجام دهند متنفرم.
۵۱. وقتی حوصله ام سر برود، دوست دارم به کار پر هیجانی دست بزنم.
۵۲. اعتیاد من مشکلاتی برای من و خانواده ام به وجود آورده است.
۵۳. تنبیه هرگز مانع انجام کاری که دوست دارم نشده است.
۵۴. بارها بی دلیل، شادی و هیجان بیش از حد به من دست داده است.
۵۵. چند هفته است که بی دلیل احساس خستگی و فرسودگی می کنم.
۵۶. مدتی است که هیچ کاری را درست انجام نمی دهم و به این دلیل شدیداً احساس گناه می کنم.
۵۷. فکر می کنم آدمی اجتماعی و خونگرم هستم.
۵۸. اخیراً بسیار کم رو و خجالتی شده ام.
۵۹. برای روزهای تنگدستی پس انداز می کنم.
۶۰. من به اندازه دیگران در زندگی شانس ندارم.
۶۱. دائم افکار و اندیشه ها، در ذهنم موج می زنند و رهايم نمی کنند.
۶۲. چند سالی است که از زندگی کاملاً دلسرد و ناامید شده ام.
۶۳. چند سالی است که افراد زیادی در مورد زندگی خصوصی ام جاسوسی می کنند.
۶۴. نمی دانم چرا ولی گاهی حرفهای بد می زنم، صرفاً برای این که دیگران را رنجیده خاطر کنم.
۶۵. در سال گذشته، بیش از ۳۰ بار بر فراز اقیانوس اطلس پرواز کرده ام.
۶۶. در گذشته اعتیاد به مواد مخدر باعث شده شغلم را از دست بدهم.
۶۷. فکر های مهمی در سر دارم که مردم این زمانه آن را نمی فهمند.
۶۸. اخیراً مجبورم بدون دلیل در مورد چیزی مکرراً فکر کنم.
۶۹. از اکثر موقعیت های اجتماعی دوری می کنم زیرا می ترسم مردم از من انتقاد کنند یا مرا طرد کنند.
۷۰. بیشتر وقت ها فکر می کنم شایسته موفقیت هایی که نصیبم شده است نبوده ام.

۷۱. اغلب وقتی تنها هستم، احساس می‌کنم کسی کنارم نشسته که دیده نمی‌شود.
۷۲. اغلب به دیگران اجازه می‌دهم تصمیم‌های مهمی برایم بگیرند.
۷۳. احساس بی‌هدفی می‌کنم و نمی‌دانم در زندگی به کجا می‌روم.
۷۴. ظاهراً نمی‌توانم بخوابم و بعد از خواب هم به اندازه قبل از خواب خسته‌ام.
۷۵. اخیراً خیلی عرق می‌کنم و کلافه‌ام.
۷۶. پیوسته فکرهای عجیبی به سرم می‌زند کاش می‌توانستم از شر آنها خلاص شوم.
۷۷. حتی وقتی بیدارم متوجه آدم‌هایی که دور و برم هستند، نمی‌شوم.
۷۸. برایم مشکل است که بر هوس مشروب خواری خود غلبه کنم.
۷۹. من اغلب اوقات افسرده و غمگین هستم.
۸۰. پیدا کردن دوست برایم کار ساده‌ای است.
۸۱. از سوءاستفاده‌ای که در کودکی از من شده شرمندم.
۸۲. همیشه نگرانم که کارهایم خوب برنامه‌ریزی و تنظیم باشد.
۸۳. ظاهراً اغلب خلق و خویم از روزی به روز دیگر تغییر زیادی می‌کند.
۸۴. می‌ترسم ریسک کنم و چیزهای جدید را امتحان کنم.
۸۵. سوءاستفاده کردن از کسی که خود اجازه چنین کاری را می‌دهد عیب نمی‌دانم.
۸۶. مدتی است غمگین و گرفته‌ام و نمی‌توانم از این حالت خلاص شوم.
۸۷. اغلب از دیدن آدم‌هایی که کند کار می‌کنند عصبانی می‌شوم.
۸۸. در مهمانی‌ها هیچوقت گوشه‌گیر نیستم.
۸۹. من آن‌چه اعضای خانواده‌ام انجام می‌دهند را زیر نظر دارم تا به چه کسی می‌توان اعتماد کرد.
۹۰. گاهی در برابر مهربانی مردم دستپاچه و عصبانی می‌شوم.
۹۱. استعمال مواد مخدر باعث درگیری خانوادگی برایم شده است.
۹۲. اکثر اوقات تنها هستم و این تنهایی را ترجیح می‌دهم.
۹۳. بعضی از اعضای خانواده‌ام می‌گویند که خودخواه هستم و فقط به خودم فکر می‌کنم.
۹۴. مردم خیلی راحت می‌توانند نظرم را نظرم را عوض کنند حتی اگر تصمیم‌نهایی را خودم گرفته باشم.
۹۵. بیشتر وقت‌ها به دیگران دستور می‌دهم و آنها را عصبانی می‌کنم.
۹۶. قبلاً دیگران به من گفته‌اند که به خیلی چیزها بیش از حد شور و علاقه نشان داده‌ام.
۹۷. بهتر است آدم زود بخوابد و زود بیدار شود.
۹۸. احساس من نسبت به افراد مهم زندگی‌ام اغلب بین محبت و نفرت در نوسان است.
۹۹. در جمع و موقعیت‌های اجتماعی همیشه مضطرب و کلافه‌ام.
۱۰۰. من هر روز مشروب می‌خورم.
۱۰۱. قبول دارم که مسئولیت‌های خانوادگی را جدی نمی‌گیرم، ولی باید آن‌ها را جدی بگیرم.
۱۰۲. از همان کودکی بتدریج رابطه خودم را با واقعیت از دست داده‌ام.
۱۰۳. افراد آب‌زیرکاه اغلب سعی دارند کاری را که من انجام داده‌ام یا فکرش از من بوده است را به اسم خودشان تمام کنند.
۱۰۴. من نمی‌توانم شادی زیادی تجربه کنم چون احساس می‌کنم لیاقتش را ندارم.
۱۰۵. علاقه چندانی به دوست پیدا کردن و رفاقت ندارم.
۱۰۶. بارها در زندگیم وقتی شاد بودم و فعالیت زیادی داشتم حالت افسردگی به من دست داده است.
۱۰۷. اشتهایم را به کلی از دست داده‌ام.
۱۰۸. من از تنهایی و بی‌کسی و از این‌که به خودم متکی باشم می‌ترسم.
۱۰۹. خاطره یک تجاوز وحشتناک در گذشته، دائم فکر مرا پریشان می‌کند.
۱۱۰. در سال گذشته عکس من روی جلد مجله‌های زیادی چاپ شد.

۱۱۱. ظاهراً علاقه ام را به اکثر فعالیت های لذت بخش مثل رابطه جنسی از دست داده ام.
۱۱۲. در یکی دو سال گذشته بسیار غمگین و دلسرد بوده ام.
۱۱۳. یکی دوبار با قانون مشکل داشته ام.
۱۱۴. بهترین راه اجتناب از اشتباه، تجربه داشتن است.
۱۱۵. مردم به خاطر کاری که انجام نداده ام، به من تهمت می زنند.
۱۱۶. اکثر اوقات عادت دارم برخی از مردم را اذیت کنم.
۱۱۷. گاهی مردم فکر می کنند من عجیب و غریب صحبت می کنم و صحبت های من برای آنها غریب و نا آشناست.
۱۱۸. دوره هایی در زندگی من وجود داشته است که قادر به خرید مواد مخدر نبوده ام.
۱۱۹. مردم تلاش دارند مرا بگیرند چون فکر می کنند من دیوانه ام.
۱۲۰. من هرکاری لازم باشد انجام می دهم تا فردی که دوستش دارم مرا ترک نکند.
۱۲۱. یکی دوبار در هفته پرخوری می کنم.
۱۲۲. فکر می کنم تمام فرصت های خوبی که برایم پیش آمد را از دست داده ام.
۱۲۳. هیچ وقت نتوانستم از احساس غم و اندوه رهایی یابم.
۱۲۴. وقتی تنها و دور از خانه هستم اغلب احساس اضطراب و هراس می کنم.
۱۲۵. گاهی مردم از دست من عصبانی می شوند زیرا فکر می کنند من زیاد حرف می زنم یا تند صحبت می کنم.
۱۲۶. امروزه اکثر افراد موفق، یا خوش شانس اند یا کلاه بردار.
۱۲۷. من نمی خواهم با دیگران رابطه نزدیک پیدا کنم چون مطمئنم به من علاقه مند می شوند.
۱۲۸. بدون علت مشخصی احساس افسردگی می کنم.
۱۲۹. بعد از سال ها همچنان در مورد حادثه ای که واقعا زندگی ام را تهدید می کرد، خواب های وحشتناک می بینم.
۱۳۰. توان انجام کارهای روزمره ام را ندارم.
۱۳۱. وقتی به کمک احتیاج دارم الکل می نوشم.
۱۳۲. من از فکر کردن در مورد این که چگونه در کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته ام متنفرم.
۱۳۳. وقتی همه کارها خوب پیش می رود دائم نگرانم، بزودی حادثه بدی اتفاق خواهد افتاد.
۱۳۴. وقتی حادثه بدی در زندگی ام اتفاق می افتد گاهی احساس ناتوانی می کنم و تقریباً دیوانه می شوم.
۱۳۵. واقعا از تنهایی و درماندگی و از دست دادن حمایت نزدیکانم که من به آنها وابسته ام، می ترسم.
۱۳۶. می دانم که پول زیادی برای مواد مخدر خرج کرده ام.
۱۳۷. همیشه قبل از شروع انجام کاری، باید اطمینان پیدا کنم که آن کار در آن مدت محدود تمام می شود.
۱۳۸. می دانم که مردم پشت سرم صحبت می کنند.
۱۳۹. من در گرفتن عفو و بخشش دیگران مهارت دارم.
۱۴۰. می دانم که برایم نقشه کشیده اند.
۱۴۱. احساس می کنم که بیشتر مردم افکار پست و زشتی در مورد من دارند.
۱۴۲. اغلب احساس تنهایی و پوچی می کنم.
۱۴۳. گاهی بعد از غذا خوردن خودم را مجبور به استفراغ می کنم.
۱۴۴. من معتقدم که همه را خوشحال می کنم و دیگران مرا به خاطر کارهایی که انجام می دهم و حرف هایی که می زنم تحسین می کنند.
۱۴۵. دائم نگران کسی یا چیزی هستم.
۱۴۶. همیشه بی جهت فریب می خورم، به ویژه وقتی کسی خودش را برتر از من نشان می دهد.
۱۴۷. دائم افکار اضطراب برانگیز به ذهنم می آید.
۱۴۸. در زندگی ام چیزهای کمی وجود دارد که واقعا مرا خوشحال کند.
۱۴۹. وقتی به سرنوشت دردناکی که در گذشته داشته ام فکر می کنم احساس ناکامی کرده و به مرگ می اندیشم.
۱۵۰. از این که خیلی زود بیدار می شوم و دیگر نمی توانم بخوابم ناراحتم.

۱۵۱. من هرگز قادر به ابراز احساساتم نیستم چون در نظر مردم ارزشی ندارم.
۱۵۲. من مشکل اعتیاد دارم و تلاشم برای کنار گذاشتن آن ناموفق بوده است.
۱۵۳. عده ای تلاش می کنند افکارم را کنترل کنند.
۱۵۴. قبلا تلاش کرده ام خودم را بکشم.
۱۵۵. من گرسنگی می کشم تا از همین هم که هست لاغر تر شوم.
۱۵۶. نمی دانم چرا برخی از مردم به من می خندند.
۱۵۷. در ده سال گذشته هیچ ماشینی ندیده ام.
۱۵۸. از آدم هایی که مرا لمس می کنند شدیداً می ترسم چون فکر می کنم آنها ممکن است به من صدمه بزنند.
۱۵۹. چون آن ها از توانایی های فوق العاده من خبردارند می خواهد مرا دستگیر کنند.
۱۶۰. دائم فکرم درگیر حادثه ای است که برایم اتفاق افتاده است.
۱۶۱. ظاهراً کاری می کنم که دیگران فکر کنند می خواهم به خودم صدمه بزنم.
۱۶۲. اغلب آن قدر غرق افکارم می شوم که متوجه نمی شوم اطرافم چه می گذرد.
۱۶۳. مردم به من می گویند لاغر هستم، اما من احساس می کنم خیلی چاقم.
۱۶۴. وقایع هولناک گذشته دائم به فکر و خواب من می آیند.
۱۶۵. من به جز اعضای خانواده ام هیچ دوستی ندارم.
۱۶۶. من اغلب کارهایم را سریع انجام می دهم و در مورد چیزهایی که باید انجام دهم فکر نمی کنم.
۱۶۷. من به گونه ای حمایت دوستانم را جلب کرده ام که دیگران نمی توانند از من سوء استفاده کنند.
۱۶۸. اغلب به وضوح چیزهایی می شنوم که مرا ناراحت می کند.
۱۶۹. من همیشه برای نزاع با دیگران خودم را مجهز نگه می دارم زیرا از برخورد تندشان می ترسم.
۱۷۰. من هر کار را چند بار انجام می دهم. گاهی به خاطر کاهش نگرانیم و گاهی به خاطر این که مطمئن شوم حادثه بدی اتفاق نمی افتد.
۱۷۱. تازگی ها به طور جدی به این فکر افتاده ام که به زندگیم خاتمه دهم.
۱۷۲. مردم مرا آدمی منظم و مقرراتی می دانند.
۱۷۳. وقتی به حادثه دردناکی که سال ها پیش برایم اتفاق افتاد فکر می کنم دچار ترس و اضطراب می شوم.
۱۷۴. اگر چه من از دوست پیدا کردن می ترسم ولی مایلیم دوستان بیشتری داشته باشم.
۱۷۵. واقعیت این است که مردم می خواهند با من دوست شوند تا مرا خرد کنند.